



از فضایی‌های مهاجم تا سیاهان در اسارت

نگاهی به بهترین‌های سال سینمای جهان

انتخاب بهترین فیلم‌های سال گذشته سینمای جهان فرآیندی سخت و در عین حال آسان است و دلیل رami توان در این نکته یافت که امسال نیز مانند بسیاری از ادوار اخیر یک یا چند فیلم کاملاً برتر و کوبنده عرضه نشدند و اکثریت با کارهایی بود که متوسط تلقی شدند و چیزهای فوق العاده‌ای برای گفتن نداشتند. البته «سرزمین لالا»، «مهتاب»، «منچستر کنار دریا» و «حصارها» توانستند نظر اکثریت کارشناسان را جلب کنند و «رسیدن» (ورود)، «چهره‌های پنهانی»، «سالی» و «Hacksaw Ridge» هم که آخری یک فیلم جنگی و ساخته مل گیبسون معروف است، در برقراری ارتباط با عوام موفق بودند ولی برخلاف ۱۹۹۵ که «شجاع دل» پرشکوه‌ترین فیلم گیبسون ۵ اسکار اصلی آن سال را بود یا ۲۰۰۳ که قسمت سوم «آریاب حلقه‌ها» به تنها فیلم فاتحی تاریخ تبدیل شد که ۱۱ اسکار را رسید کرد، هیچ مدعی مطلق در کورس تصاحب عنوان بهترین فیلم سال قرار نداشت. این در صورتی است که بپذیریم «سرزمین لالا» با وجود کسب ۷ جایزه گلدن گلوب و کاندیدایی برای ۱۴ جایزه اسکار و فروش بالای ۲۵۰ میلیون دلار در سطح جهان فیلمی نبوده است که عوام به آن دل ببازند و به عنوان یک موزیکال مدرن بیشتر با طبقات متوسط و روشنفکر در جهان ارتباط برقرار کرد. با این حال همین فیلم که مفهوم تازه‌ای به ژانر موزیکال بخشید و «Hacksaw Ridge» که نگاه جدی و عمیق‌تری از گیبسون به جنگ جهانی دوم است و «مهتاب» و «حصارها» که قصه‌های تبعیض نژادی و اسارت سیاهان در قید و بندهای سفیدپوستان در یک آمریکای پر توخا اما مدعی تمدن هستند، سبب شدند سال سپری شده سالی توأم با خلق برخی ارزش‌های ماندگار برای سینمای جهان باشد. سالی که با وصف کوتاه فیلم‌های برتر جلوه لازم را در اذهان هنردوستان خواهد یافت.



سالی (Sully)



لالاند (Lalaland)

● **ژانر:** درام تاریخی و واقعی
 ● **محصول:** کمپانی‌های ویلیج رود شو، فلش لایت فیلمز و برادران وارنر
 ● **تهیه‌کنندگان:** فرانک مارشال، الین استوارت و تیم مور
 ● **سناریست:** تاد کومار نیکو / ● **کارگردان:** کلینت ایستوود
 ● **مدیر فیلمبرداری:** تام استرن / ● **تدوینگر:** بلو موری
 ● **موسیقی متن:** کریستین جاکوب و گروه تی برنی ساتون / ● **طول مدت:** ۹۶ دقیقه
 ● **هزینه تولید:** ۶۰ میلیون دلار / ● **میزان درآمد:** ۲۵۶ میلیون دلار
 ● **موضوع:** در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ دو خلبان آمریکایی به نام‌های چلسی سالی (با بازی تام هنکس) و جف اسکابیلز (با بازی آرون اکهارت) یک هواپیمای مسافرتی را از مبدأ فرودگاه لاگاردیا به مقصد فرودگاه بین‌المللی شارلوت داگلاس در کشورشان به حرکت درمی‌آورند اما در ارتفاع ۸۵۰ متر از سطح زمین، هواپیما با گروهی بزرگ از پرندگان مهاجر که در حال سفر هستند، برخورد می‌کند و در این واقعه هر دو موتور هواپیما از کار می‌افتد. از آنجا که هر دو خلبان به این نتیجه می‌رسند که امکان رسیدن به نزدیک‌ترین فرودگاه‌های اطراف آنجا ندارند، سالن برگر تصمیم می‌گیرد هواپیمای ضربه خورده و مخدوش را روی رودخانه مشهور هادسون به موازات شهر نیویورک فرود بیاورد و چنین نیز می‌کند و کل سرنشینان صحیح و سالم به زمین می‌رسند و به همین سبب رسانه‌ها در یک چشم به هم زدن از «سالی» یک قهرمان ملی می‌سازند. با این حال مقام‌های مسئول مدعی می‌شوند که یکی از موتورهای هواپیما برخلاف ادعاهای سالی، درست کار می‌کرده و بنابراین او می‌توانسته بدون ریسک فرود آوردن هواپیما را روی رودخانه، آن را به لاگاردیا بازگرداند یا به تتربورگ نزدیک‌ترین فرودگاه به هواپیما برده، برود. سالن برگر که در صورت اثبات این ادعا برکنار و بدنام می‌شود، در دادگاهی که به این موضوع رسیدگی می‌کند، خلاف این را به اثبات می‌رساند و مشخص می‌شود که او درست عمل کرده است.

● **ژانر:** موزیکال
 ● **محصول:** کمپانی‌های بکل لیبل مدیا، تیک فیلمز و سامیت اینترتینمنت
 ● **تهیه‌کنندگان:** فرد برگر، گری گیلبرت و مارک بلات
 ● **سناریست و کارگردان:** دیمی بین چازه له
 ● **مدیر فیلمبرداری:** لینیوس ساندگرن / ● **تدوینگر:** تام کراس
 ● **موسیقی متن:** جاستین هورویتز / ● **طول مدت:** ۱۲۸ دقیقه
 ● **هزینه تولید:** ۳۰ میلیون دلار / ● **میزان درآمد:** ۲۸۲ میلیون دلار
 ● **بازیگران:** اما استون، رایان گاسلینگ، جان لچند، رزماری دوویت، فین ویت راک، جسیکاروت، سونویا میزنو، کالی هرناندز و جی. کی. سیمونز.
 ● **موضوع:** یک موزیسین و یک بازیگر روبه پیشرفت به طور تصادفی ملاقات می‌کنند و پس از پی بردن به عقاید یکدیگر اقدام به همکاری در زمینه‌های هنری نموده و به تفاهم‌های لازم در این زمینه می‌رسند. عنوان فیلم هم اشاره‌ای به لس آنجلس، شهر محل وقوع رخدادها است و هم حکایت از گرایش به رؤیاها و دوری از واقعیت و ورود به زندگی‌ها و عرصه‌هایی دارد که برای هنرمندان امری عادی به شمار می‌آید. بین میا (اما استون) و سباستین (رایان گاسلینگ) چند ماه بعد دیدار تصادفی دیگری در یک میهمانی هنری تازه شکل می‌گیرد و این مکانی است که سباستین در حال اجرای موسیقی برای میهمانان است. پیامد این دیدار مجدد، حضور بیشتر سباستین در محل تهیه فیلم جدید می‌است و در نهایت این موزیسین زن بر اساس توصیه سباستین آوایی را می‌سراید که موجب موفقیت او در کارهای هنری‌اش می‌شود و به اهدافش می‌رسد. اینکه «لالاند» در تمامی ۷ شاخه‌ای که نامزد گلدن گلوب شده به آن دست یافت و کلکسیون از جوایز دیگر برده، نشان می‌دهد چقدر در بین اهالی سینما موفق جلوه کرده است.